

رزم افزار در ایران

هالریک: چنان که بر همگان آشکار است پیش از ورود جنگ افزارهایی چون توپ و تانک و تفنگ و جنگنده های بمب افکن و چیزهایی از این دست به میان نظامیان، رزم افزارهایی همچون شمشیر، کمان و چیزهایی از این دست جزئی جدایی ناپذیر از تاریخ رزم ایرانیان و همچنین نیرانیان بوده است. از همین روی بر آن شدیم تا با دکتر منوچهر مشتاق خراسانی گفتگویی در این زمینه رزم افزارها و فنون جنگی ایرانیان داشته باشیم که همکاران حسام الدین شافعیان این گفتگو را انجام دادند. مشتاق خراسانی که دکترای زبان انگلیسی دارد به صورت جدی در زمینه هنرهای رزمی به فعالیت پرداخته و افزون بر آن پژوهش های ارزنده ای درباره رزم افزارها و فنون جنگی ایرانیان انجام داده که تا به امروز ۴ کتاب و ۱۱۰ مقاله از وی در این زمینه به چاپ رسیده است. کتاب اول وی «سلاح ها و جوشن های ایرانی از عهد مفرغ تا پایان دوره قاجار / Arms and Armor from Iran: The Bronze Age to the End of the Qajar Period» در سال ۲۰۰۹ جایزه جهانی کتاب سال ایران را برد و کتاب چهارم وی «Lexicon of Arms and Armor from Iran: A Study of Symbols and Terminology» که درباره واژگان مربوط به جنگ افزارهای ایرانی است نیز در سال ۲۰۱۲ جایزه جهانی کتاب سال ایران را برد. کتاب دیگر وی «Oriental and Arab Antique Weapons and Armour: The Streshinskiy Collection» که به سلاح های خاورمیانه همچون قفقاز، کشورهای عربی، عثمانی، ایران و هند می پردازد. واپسین کتابی وی «Persian Archery and Swordsmanhip: Historical Martial Arts of Iran» است که در آن فنون رزمی ایرانیان را همچون تیراندازی، گرز و شمشیرزنی تا کشتی جنگی را به شکل مصور شرح می دهد.

چطور بود. کشورهایی همچون ژاپن و چین سنت های رزمی و شمشیرزنی خود را به خوبی حفظ کردند، به ویژه ژاپنی ها. فیلیپینی ها و اندونزیایی ها و حتی هندی ها در فرم کالاری پایات (Kalaripayyat) آن را نگاه داشته اند. همان طور که گفتیم اروپایی ها هم از حدود ۱۵، ۱۶ سال پیش احیای هنرهای رزمی و شمشیرزنی سنتی خود را آغاز کردند. آنها گفتند «ما که ژاپنی یا چینی نیستیم، نیاکان ما خود بهترین رزمنده ها بوده اند». هر کشوری ورزش رزمی دارد، به ویژه کشور ما. ما یک سنت بسیار غنی در کشتی گیری داریم و اگر کسی به توانایی کشتی شک داشته باشد بهتر است به هنرهای رزمی ترکیبی (Mixed Martial Arts) که بدون سلاح است نگاه کند و در بیابد که درگیری روی زمین و پرتاب کردن چقدر مهم است؛ یعنی صرف مشقت و لگد زدن فایده ندارد. این چیزی است که ما رزمی کارها در ایران می دانیم. درباره سلاح های مختلف هم باید بدانید مجموعه داران دنیا شمشیرهای ایرانی که با فناوری فولاد جوهردار ساخته می شد را به عنوان بهترین شمشیرهای دنیا می شناختند. شمشیرسازی یکی از صنعت های بزرگ و موفق ایران بود. برای همین من سعی می کنم در گام بعدی از کاغذ به حرکت برسم و هنرهای رزمی ایرانی را احیا کنم. البته صدها فن را احیا کرده ام و تحت نام «رزم افزار» جمع آوری کرده و در سراسر جهان به

حسام الدین شافعیان: درود بر شما، گویا شما در حال احیا کردن ورزش های رزمی ایرانی موسوم به رزم افزار هستید. لطفا کمی در این باره توضیح دهید تا روشن شود اصلا ورزش های رزمی ایرانی چگونه اند؟ بسیاری از ایرانیان تصویری که از ورزش های رزمی ایرانی دارند محدود به همان هاست که ریشه آسیای شرقی دارند همچون جودو و کنگفو و نظایر آن.

منوچهر مشتاق خراسانی: ورزش های رزمی ما سنتی غنی دارد، البته این امر مختص ایران نیست و این غنا در همه کشورهای قدیمی دیده می شود. ورزش های رزمی به هیچ وجه منحصر به آنها که از چین و ژاپن آمدند نیست. اینها چیزهای تبلیغاتی هستند که در قرن بیستم کشورهای آسیایی خیلی روی آن کار کردند و به تمام دنیا عرضه کردند. در حالی که حتی اروپایی ها هم ورزش رزمی داشته اند. برای نمونه شوالیه ها شیوه شمشیرزنی خاص خود را داشته اند که البته ۱۵ سال است که در حال احیای آن هستند و تاکنون حسابی بر روی آن کار کردند و بالغ بر ۱۵۰ کتاب در سبک های مختلف از شمشیرزنی ایتالیایی تا اسپانیایی منتشر کردند. پژوهشگران اروپایی دست خط هایی به دست آورده اند که نشان می دهد اصولاً شمشیرزنی و کشتی گرفتن شوالیه ای

کمک شاگردان برجسته‌ام تدریس می‌کنم. البته راه درازی در پیش داریم.

شایعان: منابع شما برای احیای رزم‌افزار چه بوده‌اند؟ چه تعداد فن توانستید استخراج کنید؟ از شیوه‌های به کار بردن سلاح نیز بفرمایید.

مشتاق خراسانی: ببینید من پژوهشگر و فکر نمی‌کنم می‌توانم کج اتاق خود بنشینم و انتظار داشته باشم رزم‌افزار را احیا کنم. من هم یک رزمی کار حرفه‌ای هستم و هم شمشیرشناس. به عنوان مثال من به خوبی می‌دانم شمشیرهای ایرانی از چه زمانی انحنا پیدا کردند و کیفیت آنها به چه صورتی است. به عنوان نمونه ما در شاهنامه می‌خوانیم «شمشیر بر فرق زدن» و «شمشیر بر سر نواختن» و هر چه جلو می‌رویم می‌بینیم که این فنون در دوران صفوی و قاجار نیز تکرار می‌شوند. خب این پرسش پیش می‌آید که در شمشیر به فرق زدن از چه شمشیری استفاده می‌شده است. بسیاری از پژوهشگران توجه نمی‌کنند که مینیاتورهای همراه این متون بعدها اضافه شده‌اند. ما از دوران سامانیان از روی بشقاب‌ها و منابع تاریخی‌شان می‌دانیم شمشیرها بیشتر مستقیم بوده‌اند. البته شمشیرهای با انحنا اندک هم داشته‌اند. یک پژوهشگر باید با این پرسش مواجه شود که اگر شاهنامه بر اساس منابع دوران اشکانی و ساسانیان بنا شده است که در آن زمان شمشیرها مستقیم و دو لب بودند چرا در مینیاتورهای شاهنامه خمیده نشان داده می‌شوند؟ عرب‌ها هم برخلاف تصور عامه مردم هنگام حمله به ایران در زمان عمر شمشیرهای مستقیم و دو لب داشتند که کم‌کم انحنا شمشیرها بیشتر شد. در دوران شاه عباس نیز شمشیرها خمیده بودند. به کار بردن شمشیرهای مستقیم و منحنی متفاوت است. برخی فنون وجود دارد که با اجرای آن می‌توان تفاوت دو شمشیر را به خوبی دریافت؛ مثلاً «شمشیر بر زیر بغل نواختن» در داستان حسین کرد شبستری. با شمشیر منحنی به راحتی می‌توان این ضربه را زد ولی با شمشیر مستقیم نمی‌شود. در دوران صفوی تکنیک «مشق سقا» را داریم. الان «مشق سقا» در کشتی باستانی باقی مانده و در کشتی آزاد هم استفاده می‌شود. فن مشق سقا که در دوران صفوی انجام می‌شد الان با نام «یک دست یک پا» شناخته می‌شود. همانطور که از نام کشتی جنگی یعنی قسمت مبارزه بدون سلاح رزم‌افزار برمی‌آید تکنیک‌های جنگی هم در آن وجود دارد. برای نمونه فن «کله کوب» داریم که شامل

ضربه سر به صورت است. فنون کشتی جنگی وجود دارند که هدفشان نقاط خیلی حساس بدن است. «کف گرگی» هم فن به نسبت شناخته شده‌ای است. «کفشک» هم به آلت تناسلی ضربه می‌زند. اینها کاربرد جنگی داشته‌اند و در میدان نبرد سرنوشت مبارزه را تعیین می‌کردند. خیلی از این فنون خوشبختانه باقی مانده‌اند. در شمشیرزنی نیاز به تکنیک‌های پرتاب کردن و زمین زدن دارید.

شایعان: می‌دانیم که تیراندازی ایرانیان همواره در طول تاریخ از دوران هخامنشی تا این اواخر شهرت جهانی داشت. از تیراندازی و سلاح‌های دیگر چون گرز، دشنه و هر سلاح دیگری که ایرانیان از آن بهره می‌جستند بگویید.

مشتاق خراسانی: متأسفانه چون بسیاری از محققان ما سلاح‌شناس نبودند یک‌سری مطالبی نگاشته‌اند که اصلاً صحت ندارد؛ مثلاً کمان ایرانی کمان مرکب (Composite Bow) است. توضیح مفصل وقت زیادی می‌طلبد ولی باید بگویم کمان مرکب طرز ساخت ویژه‌ای دارد و با کمان‌های کشورهای اروپایی متفاوت است. کمان‌های اروپایی به شیوه موسوم به مدیترانه‌ای (Mediterranean draw) شلیک می‌شدند یعنی با سه تا انگشت اشاره، میانه و حلقه، زه کمان را می‌گیرند و شلیک می‌کنند. کمان مرکب را که نمی‌توان اینگونه به کار برد. برای شلیک با این کمان باید زه را با شست گرفت و برای همین زه‌گیر ابداع شده است تا انگشت تیرانداز نشکند یا در نرود. در شاهنامه هم می‌بینیم فردوسی از شست رها کردن یاد می‌کند چون کمان ترکیبی را همین‌طور شلیک می‌کنند. ما هم کمان ترکیبی را درست کردیم و همین‌طور که خدا فردوسی گفته به کار می‌بریم. یکی از پژوهشگران بسیار معروف که خدا هم پشت و پناه او باشد وقتی درباره تیراندازی در دوران صفوی نظر دادند فرمودند فلان نویسنده رساله تیراندازی دوران صفوی چیزی از تیراندازی سرش نمی‌شده است، این پژوهشگر می‌گوید من با فدراسیون تیراندازی زمان پهلوی هم صحبت کردم و آنها هم تایید کردند این طور نمی‌شود تیراندازی کرد. این گفته ایشان نشان می‌دهد که آگاهی ایشان و از آن بدتر در خود ایران از میراث نظامی ایران چه اندازه اندک است. من همان رساله‌ای که محقق محترم آن را چنین ملامت کرده‌اند به انگلیسی ترجمه و در کتاب جدید خود که به معرفی رزم‌افزار اختصاص دارد وارد و آن را معرفی کردم. سپس به دوست خود آقای Bede Dwyer که کمان مرکب می‌سازد و با آن رکورد جهانی برد تیراندازی

تاریخی جهانی را زده فرستادم تا پیش از انتشار کتابم درباره آن نظر بدهد. او به من گفت: «منوچهر من با خواندن این رساله که تو برایم ترجمه کردی تکنیک‌هایی که می‌دانستم دو برابر شد». دقت داشته باشید که آقای دوایر یک تیرانداز تاریخی نامدار از استرالیا با دو عنوان قهرمانی جهانی در این رشته بود. می‌خواهم شما بدانید که محققان آگاه و ناآگاه در خارج با میراث نظامی ایران چگونه رفتار می‌کنند. حال ببینید ما چه می‌کنیم؟ هیچ. هدف من برای احیای رزم‌افزار چیست؟ افتخار به تاریخ ایران. ما باید به خود به یاییم و به ریشه خود بازگردیم. همان طور که اروپایی‌ها گفت‌هاند «ما می‌خواهیم حق خود را از چینی‌ها و ژاپنی‌ها پس گرفته و میراث خودمان را احیا کنیم» یا به قول خودشان "we want to claim our martial heritage". ایرانی‌ها هم باید بدانند که ما چه داشته‌ایم. پهلوانان ما امثال پهلوان یزدی و پهلوان اکبر خراسانی بودند. قهرمانان ما ژاپنی‌ها، چینی‌ها و امثال بروس لی و جومونگ نبودند. ما باید دقیقاً بدانیم که هستیم. تاریخ‌سازی هم نباید کرد. اگر ما ورزش رسمی درست کردیم که نهاد آن ژاپنی یا چینی است و این دم خروس از زیر عبای ورزش کار معلوم است یعنی مشت و لگدهای آن مشخص است نباید ادعا کنیم ایرانی است. این کار مسخره‌ای است و جهانیان به ما می‌خندند. درباره سلاح‌های دیگر هم در کتابم اطلاعات زیادی داده‌ام. کتابی هم در دست نگارش دارم که به بررسی سلاح‌های گرم ایرانی از دوران صفویان تا آخر قاجار می‌پردازد. البته من پیش از نگارش هر کتابی مقالات متعددی درباره آن موضوع می‌نویسم و کتاب، گسترش یافته آن مقاله‌ها به علاوه پژوهش‌های جدیدتر است.

شیافعیان: در میان برخی از ایرانیان عقیده‌ای رایج است که فرهنگ ایران پس از ساسانیان دچار گسست شده است. آیا شما در حیطه خود یعنی هنرهای رزمی ایرانی گسستی مشاهده کرده‌اید؟ آیا مثلاً با مقایسه فنون شمشیرزنی، تیراندازی یا کشتی جنگی دوران ساسانی و صفوی پیشرفت یا پسرفتی در این حوزه می‌بینید؟

مشتاق خراسانی: هر کشوری همواره در حال پیشرفت و تکامل است. ایران بعد از رفتن ساسانیان نمرد. ما از دوران صفوی دست‌خط‌هایی داریم که نشان دهنده اوج شمشیرزنی ایرانی است. در

دوران صفوی انواع مختلف قبضه کمان گرفتن مشاهده می‌شود؛ مثلاً یک نوع قبضه خندان است که کمان در دست چپ است و با دست راست زه کشیده می‌شود. نوع دیگر قبضه مربع است که در آن نوع قرارگیری انگشتان با هم متفاوت است. دو انگشت باز و سه انگشت بسته است. هر کدام از این فنون هدف خاص خود را داشته‌اند و باعث می‌شد تیر به شکل خاصی که تیرانداز می‌خواهد شلیک شود. یک نوع دیگر قبضه‌گیری، قبضه بهرامی است؛ که هم به بهرام گور پادشاه تیرانداز ساسانی و هم بهرام چوبین سپهبد ساسانی که خود را از نسل آرش کمانگیر می‌دانست منتسب است. نویسنده رساله صفوی در حین توضیح این فن می‌گوید این فن از بهرام چوبین به ما رسیده و ما سنت تیراندازی ایرانی را نگه داشته‌ایم. شیعه همان قدر میراث ایرانی است که دین زردشت. هر دو ادیان مربوط به تاریخ ایران بودند و سهم بزرگی در حفظ هویت ملی ما داشته‌اند. در دست خط‌های صفوی، شاه اسماعیل را با حضرت علی مقایسه می‌کنند و در عین حال او را رستم دستان می‌دانند. ما نباید ایدئولوگ زده باشیم حال از هر طرفی. اینها همه جزو تاریخ ایران است و بر ایران با هویت ایرانی حکومت کردند. خود را ایرانی می‌دانسته‌اند و برای ایران جان‌ها داده‌اند. نظریه‌پرداز مشهوری چون هنری کیسینجر درباره چین کتابی می‌نویسد که در آن می‌گوید چین امپراتوری‌ای بوده که فقط در قرن ۱۸-۱۹ افتاده و همیشه قدرت جهانی بوده است. من یک سوال از هموطنان ایرانی دارم مگر سلسله یوان چین (Yuan Dynasty) اصل مغولی نداشته‌اند؟ می‌دانید یوان چه سلسله‌ای است؟ همان سلسله‌ای که همتای ایرانی‌اش سلسله ایلخانی بود؛ یعنی مغول‌ها چین را که گرفتند سلسله یوان را درست کردند و وقتی ایران را گرفتند سلسله ایلخانی را بنا کردند. امپراتورهای‌شان هم، برادر بودند یعنی قوبلای خان در چین و هلاکوخان در ایران. چینی‌ها هیچ وقت به آنها «مغول» نمی‌گویند. آنها می‌گویند سلسله چینی یوان. درست هم می‌گویند چون همان طور که فرهنگ ایران، ایلخانی‌های با اصالت مغولی را در خود جذب کرد و آنها را از خود ما ایرانی‌تر کرد، یوان‌ها هم جذب فرهنگ چین شدند. این طرز فکر برخی از ایرانی‌ها که یا ایران باستان را رد می‌کنند و تنها ایران اسلامی را می‌پسندند یا برخی دیگر که ایران آنها محدود به همان دوران باستان است و ایران را مرده می‌پندارند موجب تاسف و شرمندگی است. ما باید این را بندآوری گوش خود کنیم که باید از میراث خود دفاع کنیم. ممکن

است به خیلی‌ها بر بخورد ولی رسم روشنفکری ایرانی این شده است که با هم مسابقه تحقیر فرهنگ ایران را گذاشته‌اند و پیشرفت ایران را تنها بر روی خرابه فرهنگ ایران میسر می‌دانند. این طور به نظر می‌رسد که روشنفکران ایرانی با خود می‌گویند من هرچه از نیاکان خود بیشتر بد بگویم روشنفکرتر شمرده می‌شوم. به کشوری چون ژاپن نگاه کنید که چگونه از میراث نظامی نیاکان خود محافظت می‌کنند. هنر رزمی ملی ژاپن کاراته نیست بلکه شمشیرزنی سنتی آن تنشین شودن کاتوری شینتوریو (Tenshin Shōden Katori Shintō ryū) است.

شیافعیان: صحبت از ژاپنی‌ها به میان آوردید. معروف است که سامورایی‌ها از یک سری شناسه‌های اخلاقی خاص به نام بوشیدو (bushido) پیروی می‌کردند. آیا مبارزان ایرانی نیز آیین‌های اخلاقی آن هم به صورت سازمان یافته و مکتوب داشته‌اند که همواره از آن پیروی کنند؟

مشتاق خراسانی: صد درصد. ما آیین جوانمردی داریم که اعراب هم با نام فتوت از آن استفاده می‌کنند. آقای دکتر محسن ذاکری در کتاب خود «سربازان ساسانی در آغاز جامعه اسلامی: منشأ عیاران و فتوت (Sāsānid Soldiers in Early Muslim Society: The Origins of 'Ayyārān and Futuwwa)» که حاصل تحقیق دکترای‌شان است نشان دادند که ریشه جوانمردی یا فتوت که اعراب هم از ما گرفتند به شناسه‌های اخلاقی اسواران ساسانی و حتی شاید اشکانی برمی‌گردد. آیین جوانمردی به مبارز پهلوان آموزش می‌دهد چگونه رفتار کند،

اصولی چون راستی، مروت، ستاری، امانت‌داری و وفا به عهد از اصول جوانمردی است. چینی‌ها هم مشابه آن را دارند. شوالیه‌های اروپایی هم همین طور. برای جوانمردی هم لازم نیست جای دور برویم. کافی است به مرام پهلوان تختی نگاه کنیم. به آیین پهلوانی نگاه کنید، در کشتی ما قهرمانی هدف نیست بلکه جوانمردی و پهلوانی هدف است. حتی همین الان هم در جنوب شهر تهران ضرب‌المثل‌ها آکنده است از اشارت به آیین جوانمردی. بسیاری از فنون کشتی مثل فتیله‌پیچ هم وارد ضرب‌المثل‌های مردم این ناحیه شده است. عباراتی مثل جوانمرد یا برعکس نامرد هم وارد زبان مردم شده است.

شیافعیان: ما تاکنون فهمیدیم که ما میراث غنی داشته‌ایم که شما هم در حال احیای آن هستید. علاقه‌مندان چطور می‌توانند آن را یاد بگیرند؟

مشتاق خراسانی: ۷۲۳ فن را تاکنون طبقه‌بندی کرده‌ایم و کتابی هم در معرفی رزم‌افزار نگاشته‌ام و در انتظار چاپ به سر می‌برد. در این کتاب فنون بسیاری را آموزش دادیم ولی تنها از روی کتاب هم نمی‌شود آن‌ها را تمرین کرد و یاد گرفت. من به کشورهای مختلفی سفر می‌کنم و سمینارهای آموزشی هم برگزار می‌کنم. می‌خواهیم سازمانی هم در این رابطه احداث کنیم. من از تمام ایرانیان علاقه‌مند در سرتاسر دنیا تقاضا می‌کنم به یادگیری میراث خودشان علاقه نشان دهند تا آن را در سراسر دنیا شهرت دهیم. البته رزم‌افزار محدود به ایرانیان نیست و خارجی‌ها هم می‌توانند در صورت علاقه آن را تمرین کنند. می‌خواهند اروپایی، روسی و یا از هر جای دیگر دنیا باشند.